

توصیه سید جمال به قاتل ناصرالدین شاه چه بود؟

۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۳ ساعت ۲۲:۱۲

شکرانه پنجاهمین سالگرد جشن سلطنت ناصرالدین شاه به گلوله رعیت ایرانی ناتمام ماند که دست روزگار او را خدمتکار شخصی سید جمال‌الدین اسدآبادی کرد و تحت تاثیر این مرد قرار گرفت و زمانی که با گریه از ظلم قجر شکوه می‌کرد توصیه‌ای شنید که جان تازه‌ای گرفت.

صبح جمعه هجدهم ذی‌قعدة ۱۳۱۳ مصادف با ۱۲ اردیبهشت زمانی که ناصرالدین شاه مهیای برگزاری مراسم جشن پنجاهمین سالگرد سلطنت در حرم حضرت عبدالعظیم در شهر ری می‌شد گلوله میرزا رضای کرمانی شادی او را به عزا بدل کرد.

میرزا رضا کرمانی قاتل ناصرالدین شاه و مرید سید جمال‌الدین اسدآبادی، در نقطه‌ای شاه را به گلوله بست که چندسالی پیشتر به دستور شاه قاجار، سیدجمال‌الدین را بازداشت کرده بودند و بدین ترتیب میرزا رضا در آن روز هم انتقام ستم‌کشی‌های خود از شاه گرفت و هم انتقام بدرفتاری‌ها با مرشد خود را.

قلب شاه قاجار با گلوله‌ای که از تپانچه پنج لول یک رعیت ایرانی خارج شد از حرکت ایستاد، رعیتی که رویای قتل ناصرالدین شاه مالیخولیای ذهنش بود و با فکر اجرایی کردن آن شب و روز می‌گذراند. چه آنکه میرزا رضا چند سال قبل از آن نیز به هنگام تعزیه‌خوانی تکیه دولت که در غرفه حاج محمدحسین امین‌الضرب خدمت می‌کرد، به هنگام گردش شاه در غرفه‌ها نیت کرد با کاردی که در اختیار داشت مقصود خود را انجام دهد اما احتیاط کرد که مبادا کارگر نگشته و کارها بدتر و سخت‌تر شود.

رویای میرزا رضا اما در دیدار با مرشدش سیدجمال‌الدین اسدآبادی در استامبول مهر تایید می‌خورد و تبدیل به نقشه می‌شود، آن روز که میرزا رضا در محضر سیدجمال و به‌گاه شکایت از صدمات روزگار به گریه می‌افتد. سید اما او را برحذر می‌دارد که «گریه کار کودکان است و مرد مادام که دروازه مرگ به روی او باز است نه زیر بار ذلت می‌رود و نه از حوادث روزگار شکایت می‌کند.» میرزا رضا پس از شنیدن این سخن جانی تازه می‌گیرد و حال و روز ملال‌انگیز خویش تغییر داده و برای انتقام کشیدن از ستمکار خود را آماده می‌سازد. مخفیانه به ایران باز می‌گردد به‌رغم آنکه می‌داند تحت تعقیب است با هزار ملاحظه خانه‌ای در شهر ری برای خود فراهم کرده، قیافه و نام خویش را تا آنجا که ممکن است تغییر داده، در بالاخانه دری که از صحن مقدس به مدرسه امین‌السلطان می‌رود به شغل معالجه امراض جلدی کودکان پرداخته و در حقیقت برای اجرای یگانه مقصد خویش انتظار فرصت می‌کشد. فرصتی که سرانجام به بهترین شکل ممکن برای میرزا رضا فراهم شد.

ناصرالدین شاه بعد از آنکه شکرانه پنجاه سال سلطنت را به جای می آورد و قصد خروج از حرم می کند، در قیل و قال و رفت و آمد زائران مردی به سمتش می آید و به روال همه عرض حال دهندگان به پادشاه، در دستش عریضه ای است و ناگهان صدای صفیر گلوله شنیده می شود و بعد از آن همه مه و آشوب. میرزا رضا اما اقبال گم شدن در آشوب نمی یابد

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۶۵۶۵/توصیه-جمال-سید-ناصرالدین-قائن-جمال-سید-توصیه>